

متفاوت تر

"ای همه جانها فدایت حسین، آمده مهمان برایت حسین"
 آقای ما، دلبر ما، بابای ما، مولای ما، استاد ما، همه امید ما...
 رسیدند محضر حضرت آرام آرام "حضرت سیدالشهدا علیه السلام"
 کربلا، کربلا، کربلا، با بدنی زخمی، خونین، پاره پاره و...
 "حضرت حسین جان" نظر کردند؛

جلوه کردند

ابری شدند

طوفان شدند

باران شدند

قیام کردند

استقبال کردند، مرحبا گفتند، آغوش خدایی شان را گشودند بر فرزندشان؛
 قدّم حبیبی فرمودند، تَفَضَّل یا حَبِیبی فرمودند...

بشری سادات بانو را پذیرا شدند، گرم و خارج از وصف
 زهرا بانو را استقبال کردند، گرم و خارج از فهم

زهرا کوچولوی آقا را در آغوش گرفتند، بوسیدند، نوازش کردند...
 فخر کردند به ملائکه الله

ملائک آمدند، فوج فوج، لشگر به لشگر، تماشا در تماشا
 از پاییز سال ۶۱ تا بحال چنین کشته ای ندیده بودند؛

دستور را از "حضرت شجاعت مطلق" گرفتند؛ چشم گفتند، محیا شدند

لشگری از "جنیان شیعه" را هم به دنبال خود آوردند همان جا، همه گرداگرد پیکر
 خونین حضرت نائب، دستور دارند از ارباب جان، که با پیکر آقای شهیدمان به
 "ایران" بیایند، برای کمک به شیعیان می آیند و می مانند...

می آیند و خواهیم دید چه خواهد شد، کافی است "مسئولین نترسند"...

همه اموات با تشییع تمام می شوند، اما "شهید سید علی"، این بی نظیرترین ولی
 خدا، تازه با تشییع و تدفین "آغاز" خواهد شد...